



مراد از علوم قرآنی چیست؟/ آثار قرآنی دوران معاصر بیست برابر چهارده قرن

فروغ پارسا با اشاره به دوران پس از انقلاب اسلامی و نقش آن در توسعه نگارش‌های قرآنی بیان کرد: بازه زمانی پس از انقلاب، درخشان‌ترین دوران ادبیات قرآنی در طول تاریخ تشیع است.

فروغ پارسا با اشاره به دوران پس از انقلاب اسلامی و نقش آن در توسعه نگارش‌های قرآنی بیان کرد: بازه زمانی پس از انقلاب، درخشان‌ترین دوران ادبیات قرآنی در طول تاریخ تشیع است. انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی شکل گرفت و اهداف و انگیزه‌های انقلاب که از سوی امام راحل و رهبر انقلاب مطرح شد، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی بود؛ لذا در دوران پس از انقلاب، نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های اجرایی و تقنینی همه در خدمت این بودند که فرهنگ قرآنی را توسعه دهند.

به گزارش ایکننا، نشست «گونه‌شناسی نگارش‌های قرآنی در ایران معاصر» از سلسله نشست‌های «تحولات پژوهش در حیطه مطالعات تفسیری قرآن کریم»، امروز ۲۱ آذر به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با سخنرانی فروغ پارسا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سیدمحمدصادق گرامی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ادامه متن سخنان فروغ پارسا را می‌خوانید؛

بازه زمانی پس از انقلاب، درخشان‌ترین دوران ادبیات قرآنی در طول تاریخ تشیع است. انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی شکل گرفت و اهداف و انگیزه‌های انقلاب که از سوی امام راحل و رهبر انقلاب مطرح شد، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی بود؛ لذا در دوران پس از انقلاب، نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های اجرایی و تقنینی همه در خدمت این بودند که فرهنگ قرآنی را توسعه دهند و از گسترش و توسعه آثار و نگارش‌های قرآنی حمایت کنند. اگر ملاحظه‌ای در آثار قرآنی که پس از انقلاب منتشر شدند داشته باشیم، شاهد گسترش و توسعه این آثار نسبت به دوران قبل هستیم.

آثار قرآنی دوران معاصر بیست برابر چهارده قرن

در این زمینه آمارگیری داشتم و به نظرم گسترش این آثار به اندازه آثار کل چهارده سده اسلامی بوده و حتی پانزده یا بیست برابر بیشتر بوده است. با کارهای مختلفی روبه‌رو هستیم؛ از جمله می‌توان از مرحوم آقابزرگ تهرانی نام برد که برای جمع‌آوری آثار قرآنی تلاش کرد و در الذریعه‌الی تصانیف الشیعه، این آثار را جمع‌آوری کرد. همچنین آقای عقیقی بخشایشی تفاسیر شیعی را در سده‌های مختلف بررسی کرد. در چهارده سده قبل، بیش از دو هزار عنوان کتاب تفسیری نداریم اما آثار فهرست شده از ابتدای انقلاب تاکنون بیش از بیست و شش هزار عنوان می‌شود که در حوزه‌های مختلف تدوین شده‌اند.

در باب گونه‌های آثار قرآنی در ایران معاصر و طبقه‌بندی آنها باید بگویم ما با چند نوع آثار روبه‌رو هستیم؛ برخی‌ها معطوف به نگارش‌های علوم قرآنی هستند. برخی‌ها هم تفسیری‌اند و گونه‌ای دیگر از کارها نیز آثار هنری است که شاید بشود از هنرهای مفهومی و تجسمی نام برد. همچنین بخش دیگر نیز نرم‌افزارهای قرآنی هستند. در این جلسه صرفاً به نگارش‌های علوم قرآنی و تفسیری خواهم پرداخت.

مراد از علوم قرآنی چیست؟

علوم قرآنی مجموعه‌ای از مباحث است که موضوع و محور آنها قرآن است و ابعاد گوناگون قرآن را بررسی می‌کند. تعریف‌های مختلفی از سوی دانشمندان علوم قرآنی برای این حوزه مطرح شده که حاصل همه اینها همان تعریفی است که در ابتدا گفتم؛ یعنی مباحثی که موضوعشان قرآن است؛ مانند بحث چگونگی نزول قرآن، ترتیب قرآن، قرآنت قرآن، اعجاز قرآن و ... از دوران‌های متقدم اسلامی که این دانش مطرح شده تا امروز شاهد تدوین کتاب‌های مختلفی بوده‌ایم و در این کتب هم این علوم دسته‌بندی شده است.

کامل‌ترین عنوان مربوط به کتاب سیوطی است که در یک کتاب هشتاد نوع و در کتاب دیگر، صد و دو نوع علوم قرآنی را مطرح کرده است. اما در دوران جدید از سده چهارده هجری به این سو، شاهد تحولاتی در فلسفه علم و اوضاع اجتماعی بوده‌ایم که بر رویکردها تأثیر گذاشته و با موضوعات جدیدی در مورد قرآن روبه‌رو هستیم. در دوران اخیر ما با عناوینی مانند تاریخ قرآن، زبان قرآن، نسخه‌های نوپدید قرآن و ساختار قرآن مواجه بوده‌ایم که مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین نوع از علوم قرآنی که در سده‌های چهارده و پانزده مورد توجه بیشتری واقع شده، بحث تاریخ قرآن است که احتمالاً این توجه قرآن‌پژوهان به تاریخ قرآن، مربوط به کار ارزنده‌ای می‌شود که نولدکه انجام داد و توجه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرد که موجب شد تا تاریخ، جمع و

چگونگی نگارش قرآن مورد اهمیت قرار گیرد. همچنین در این چهار دهه اخیر، کتاب‌هایی در زمینه تاریخ قرآن نوشته شده که از جمله آنها کتاب‌های استاد حجتی و جعفر نکونام است.
چرا زبان قرآن مورد توجه قرار گرفت؟

حوزه مهم دیگری که مورد توجه واقع شده زبان قرآن است. تمرکز بر زبان قرآن هم معطوف می‌شود به شبهه‌هایی که برخی خاورشناسان نسبت به عربی نبودن زبان قرآن مطرح کردند. این شبهات موجب شد قرآن پژوهان ما در مورد زبان قرآن پژوهش کنند و آقایان قائمی نیا، ساجدی و سعیدی روشن در این زمینه کتاب‌های مهمی را نوشته‌اند که برخی از آنها در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود.

بحث دیگر، عبارت از تحریف قرآن است که مرحوم استاد معرفت و آقای مهدوی راد در این زمینه صحبت‌هایی را مطرح کردند. بحث دیگر عبارت از ساختار قرآن است که از مباحث مهمی بوده که در این حوزه مورد توجه قرار گرفته است. اما مهم‌تر از اینها، بحث مصاحف نوپدید قرآنی است. در دهه‌های آخر سده بیستم، علی‌رغم شبهه‌هایی که در مورد عدم تدوین قرآن در سال‌های نزدیک به زندگی پیامبر(ص) مطرح شده بود و برخی می‌گفتند که قرآن در سده سوم هجری تدوین شده، ما با پیدایی برخی نسخه‌های قرآنی مواجه شدیم که با آزمایشات فیزیکی نشان داده شد که این نسخه‌ها برای سده اول هجری است. از این رو این بحث مصاحف نوپدید قرآنی اهمیت زیادی یافت و برخی از قرآن پژوهان به آن حوزه علاقه مند شدند.

در مورد کل بحث‌های علوم قرآنی کتب زیادی در این چهار دهه اخیر داشتیم و افراد مختلفی مانند علامه عسکری، سیدجعفر مرتضی‌عاملی و محمدهادی معرفت کارهایی در حوزه دانش‌های مربوط به علوم قرآنی داشته‌اند و در چند جلد، کتاب‌هایی نوشتند که به زبان عربی بوده است. در زبان فارسی هم که به صورت درسنامه تدریس می‌شده، می‌توان به کتب استاد حجتی، شاکر، رکنی یزدی و تنی دیگر از اساتید اشاره کرد که به تألیف کتاب‌هایی در حوزه علوم قرآن پرداختند که معطوف به برخی از انواع علوم قرآن است.
تعریف سنتی و مدرن از تفسیر

گونه دیگر از نگارش‌های قرآنی که مورد نظر بنده است، نگارش‌های تفسیری قرآن است. ما در تعریف سنتی از تفسیر، این مطلب را داریم که تفسیر به معنای روشن‌گری و پرده برداشتن و کشف و توضیح معنای قرآنی است. پیش از این، در نگاه سنتی، مفسران به دنبال این بودند که مراد و مدلول آیات قرآنی و مراد خدای تعالی از آیات قرآنی را کشف و تفسیر کنند. در تعریف مدرن از تفسیر، با بحث کشف روبه‌رو نیستیم و در تعریف مدرن با معنای فهم و درک از آیات الهی روبه‌رو هستیم. اینکه مخاطب چه فهمی دارد و ممکن است فهم مخاطب منطبق با مراد شارع نباشد و فهم و درک از آیات الهی به گونه‌ای مبتنی بر پیش‌فرض‌های ذهنی مخاطب باشد. در نظریه‌های تفسیری جدید ما با این مسئله روبه‌رو هستیم که تفسیر و تبیین مبتنی بر دیدگاه‌ها، شرایط و پیش‌فرض‌های ذهنی، اجتماعی و تاریخی فهم‌کننده و مخاطب متن است. حال با این تعریفی که از تفسیر ارائه دادم به نگارش‌های تفسیری می‌پردازم.

نگارش‌های تفسیری نیز انواع مختلفی در این چهار دهه داشته است؛ نزدیک‌ترین عنوان که با تفسیر داریم، مطالعات ترجمه قرآن کریم است. از سده‌های متقدم اسلامی هم قرآن کریم به زبان‌های مختلف ترجمه شده است و به زبان فارسی هم ترجمه‌هایی داشته‌ایم. از همان سده‌های متقدم، بحث‌هایی در مورد جواز ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف داشته‌ایم که بحث‌های مربوط به خود را داشته و هنوز هم مطرح است. از سده چهاردهم هجری به این سو، به دلیل برخی مسائل با مسئله جواز ترجمه قرآن خیلی روبه‌رو نیستیم و در حقیقت افرادی که با جواز ترجمه قرآن مخالف بودند به دلیل اوضاعی که رخ داد موافق این معنا شدند که قرآن می‌تواند معنا شود. پس با ترجمه‌های مختلفی از قرآن مواجه هستیم؛ به خصوص در ایران پس از انقلاب که ترجمه‌های مختلف از قرآن را دیده‌ایم.

اگر پیش از انقلاب کمتر از ۱۰ ترجمه قرآن داشتیم، پس از انقلاب و در فاصله این چهار دهه، با بیش از صد ترجمه از قرآن به زبان فارسی مواجه هستیم که هر یک با گرایش‌های مربوط به خودشان قرآن را ترجمه کرده‌اند. در کنار ترجمه قرآن با کارهایی که در زمینه نظریه‌های ترجمه است نیز مواجهیم. مهم‌ترین کار در زمینه نظریه‌های ترجمه مربوط به دکتر احمد پاکتچی است که در یک کتاب جالب، به طور مستوفی، هم نظریه‌های مربوط به ترجمه را مطرح کرده‌اند و هم ترجمه‌ها را مورد تحلیل قرار داده‌اند.
تفسیرپژوهی چیست؟

یک گونه دیگری از کارهایی که در مورد تفسیر قرآن انجام شده، عبارت از تفسیرپژوهی است. مجموعه‌آثاری که به دسته بندی آثار تفسیری پرداخته‌اند، تفسیرپژوهی می‌نامیم. این مجموعه کارها در سده‌های متقدم با نام طبقات المفسرین نامیده می‌شدند و در آنها، اصول و مبانی تفسیر بیان شده است. به این ترتیب، با آثاری روبه‌رو هستیم که اولاً برخی از آنها اصول و مبانی و روش‌های تفسیری را توضیح می‌دهند و در مرحله بعد، وارد طبقه بندی آثار تفسیری می‌شوند. در این زمینه، مکاتب و روش

های تفسیری اثر عمید زنجانی را می توان به عنوان یک نمونه مثال زد که در مراکز آموزشی هم استفاده می شود.

در مورد طبقه بندی تفاسیر، نخستین کار مربوط به آقای خرمشاهی است. ایشان در کنار کتاب تفسیر و تفاسیر جدید، کتابی به نام دانشنامه قرآن تألیف کردند که در آن تلاش کردند بسیاری از قرآن پژوهان معاصر را هم معرفی کنند. دکتر محمدعلی ایازی هم چند کتاب دارند که به نام های شناخت نامه تفسیر و سیر تفاسیر شیعه است و سعی کرده اند آثار تفسیری را طبقه بندی کنند. آقای اسعدی نیز آسیب شناسی جریان های تفسیری را دارند. ایشان در مجلدات اولیه سعی دارند اصول و میانی روش ها و گرایش های تفسیری را بیان کنند و سپس تفاسیر را جریان شناسی کرده اند. هیچ یک از این آثاری که من مطرح کردم به این چهار دهه خاصی که روی آن متمرکز هستم رجوع نداشته اند. بنابراین باید گفت: آثاری که در این چهار دهه پس از انقلاب تدوین شده اند، مورد طبقه بندی جدی قرار نگرفته اند.

در کنار این کارها، با فرهنگ ها و دایره المعارف هایی هم روبه رو هستیم که از جمله دایره المعارف قرآن است. حتی برخی تلاش کرده اند دایره المعارف قرآن لیدن را نیز ترجمه کنند و برخی از قرآن پژوهان برخی از مداخل این دایره المعارف قرآن را نقد و تحلیل کرده اند. همچنین با کارهایی با عنوان فرهنگ قرآن هم در این چهل ساله اخیر روبه رو بوده ایم.

نوع دیگری از کارها که در گونه گرایش های تفسیری قرار می گیرد، تحلیل انتقادی آثار خاورشناسان است. خاورشناسان از سده شش میلادی، کارهایی در حوزه مطالعه و بررسی قرآن انجام داده اند اما از اواخر سده نوزده به این سمت، این کارها با شتاب بیشتری انجام شده است و قرآن پژوهان ایران هم سعی کرده اند این کارها را به صورت منظم مورد بررسی قرار دهند. البته در چهار دهه اخیر این حرکت تحلیل انتقادی آثار خاورشناسان با سرعت بیشتری انجام شده است. یک نشریه هم به نام قرآن و خاورشناسان داریم که به طور مرتب و ماهانه منتشر می شود و مقالات مختلفی را در حوزه تحلیل انتقادی آثار قرآنی خاورشناسان منتشر می کند.

برخی کارها هم به نام مطالعات تفسیری مطرح هستند. علاوه بر تفاسیر حجیم یا جامع با تعداد زیادی از تک نگاری های قرآنی هم رو به رو هستیم که هر مخاطبی به عنوان مفسر قرآن فهم خودش را از آیات الهی مدون کرده است؛ بنابراین مجموعه آثار زیادی داریم و با شمارگانی که از کتابخانه ملی به ما رسیده، حدود بیست هزار عنوان کار تفسیری است که هر یک با یک رویکرد خاصی به فهم و درک آیات مبادرت کرده اند.

این مجموعه کارها را می توانیم از جنبه های مختلفی بررسی کنیم؛ شاید طبقه بندی بنده یک طبقه بندی اولیه باشد و احتمالاً قرآن پژوهان دیگر بتوانند طبقه بندی دیگری داشته باشند. یک مجموعه از کارهایی که در مورد تفسیر انجام شده با رویکرد عقلی، کلامی و فرقه گرایانه است. تفسیر تسنیم و کارهایی که مرحوم مصباح یزدی به عنوان معارف قرآن انجام دادند، رویکرد شیعی گرایانه هم دارند.

تفسیر دیگری که باید به آن اشاره کنم، تفسیر نور است که رویکرد واعظانه دارد، ولی رویکرد شیعی گرایانه هم دارد و آقای قرآنی هم تلاش کرده دیدگاه های کلامی - فقهی شیعه را در تفسیر خود مورد تأکید قرار دهند. برخی کتب، رویکرد اثری دارند که از جمله تفسیر جامع اثری از مرحوم معرفت است. همچنین کتاب تفسیر صادقی تهرانی را داشته ایم و علاوه بر اینها باید به کار صالحی نجف آبادی هم اشاره کنم که رویکرد سنتی نوگرا دارند. یکی از رویکردهای اینها این بود که تمرکزشان بر تفسیر قرآن به قرآن بود و تأثیرپذیری بیش از حد از روایات را نقد می کردند. رویکرد دیگر در تفسیرها، رویکرد تربیتی - اخلاقی است و مهم ترین کار در این زمینه کار مرحوم علی صفایی حائری است. رویکرد دیگر، عبارت از رویکرد علمی است و افرادی نظیر آقای محمدعلی رضایی اصفهانی در این زمینه کوشیده اند. دلیل مطرح شدن رویکردهای اجتماعی به قرآن

رویکرد دیگر عبارت از قرآن بسندگی است. از جمله دیگر رویکردها، رویکرد هرمنوتیکی است که این گروه می گویند مخاطب حق دارد که هر درکی از متن داشته باشد. رویکرد دیگری که شاید بشود گفت خیلی هم رایج است، رویکرد اجتماعی است. بحث تفسیر اجتماعی و عصری قرآن از اوایل سده چهارده با حرکت سیدجمال الدین اسدآبادی آغاز شد و بحث این بود که به قرآن بازگشت داشته باشیم و این شعار سیدجمال بود. تفسیر تدری نیز یک نوع دیگر است. تدری در قرآن بحثی است که از سده چهارده هجری مطرح شد. پس از گسترش صنعت چاپ و وجود مجلدات قرآنی در میان همه مردم، بحث تدری مطرح شد و تفاسیر تدری نیز توسط برخی ها مورد توجه قرار گرفت که از جمله می توان از کتاب متدولوژی تدری در قرآن، عبدالعلی بازرگان نام برد.

اما بحث نویی که در حوزه نگارش های تفسیری مطرح شده، مطالعات میان رشته ای است. برخی از قرآن پژوهان بر آن شدند که از روش ها و دانش های علوم دیگر برای فهم و تفسیر قرآن استفاده کنند. خاستگاه حرکت این ها این بود که به نظرشان می رسید رویکردهای سنتی به قرآن نمی تواند پاسخ گوی شبهات باشد؛ از این رو تلاش کردند با همان راهبردی که سید جمال

داشت که از دانش های نوین در تفسیرهای قرآن استفاده می کرد، به تفسیر بپردازند. مطالعه میان رشته ای با تعریف دقیقش حاصل نشده اما برخی ها تلاش کردند از روش های زبان شناسی در حوزه فهم قرآن استفاده کنند. در پایان هم باید اشاره کنم که یک گونه دیگر از کارها، نگارش های داستانی است.

گزارش از مرتضی اوحدی